

### متن پرسش

سلام: ببخشید چندی است که دچار قبض شدید روحی شده ام و ضیق صدر به راحتی از بیرونم نیز احساس می‌شود. تقریباً ۸۰ درصد افرادی که به کنارم می‌آیند از جانب من متضرر می‌شوند- با اینکه این را نمی‌خواهم و پس از اینکه اتفاق افتاد، عذاب وجدان سنگینی بر من احاطه می‌کند- طبیعت گرم و خشک بر بنده حاکم است و تند مزاجی دارم اما آن را به توفیق الهی در نیمی از مواقع کنترل می‌کنم ولی گاهی می‌شود که از کوره در میروم و حتی اگر مقصر نیز نباشم عذاب وجدان می‌گیرم. خلاصه که اینها همه باعث شده که کسی را برای درد و دل کردن نداشته باشم و حرفهایم را با کتاب هایم بزنم و اشک خون بریزم برای آینده ای که از این اعراض نفسانی پلید خبری نباشد. البته که به خداوند امیدوارم که آن روز را محقق می‌کند. حَقاً که تنهایی در آخرالزمان جانگیر است؛ البته شاید فرصتی است برای ارتباط با خدا و امام زمان علیه السلام. برقراری این ارتباط برای بنده خیلی سخت شده مخصوصاً حالا که درگیری ذهنی شدید دارم به آنجور مسائل زندگی که در ابتدا عرض شد. شما به عنوان استاد؛ بنده شرح حال خود را دادم اگر منت بگذارید توصیه ای به بنده بفرمایید. سپاس □

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این تنها مشکل جنابعالی نیست. این قصه روح بشر جدید است که برای هرکس به نوعی ظهور می‌کند و در این رابطه بنده در سال اخیر بیشتر از قبل با رفقای که در این نحوه از حضور وارد شده‌اند، روبرو شده‌ام. نه! قصه، قصه دیگری است و آن این‌که بنا است در جهانی بسی گشوده‌تر با هستی خود روبرو شویم، وگرنه در دل حرکات مذهبی و فعالیت‌های دینی به بودنی که وسعت ما را با انسانیت انسان‌ها یگانه کند، نمی‌رسیم. در این رابطه پیشنهاد اولیه بنده آن است که عرایض مطرح‌شده در سوره «صف» را دنبال بفرمایید و این شروعی است برای درک انسانیت گسترده انسان‌ها تا همان کس و کسانی که نزدیک‌ترین‌ها به شما هستند و دورشان می‌پنداریم، به نحوی دیگر نزدیکی و نزدیک‌تر بودن‌شان را ببابید. ما در این مرحله از انقلاب در جهانی دیگر باید حاضر شویم و این‌جا است که بیش از آن‌که شرایط را تغییر دهیم، باید در خود دیگری خود را حاضر کنیم. موفق باشید